

تأثیر متقابل مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی

فرید محسنی*

رضا انصاری**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۲۷

چکیده

مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی به عنوان دو مفهوم بنیادی در قلمروی رشته حقوق در غالب موارد در نقطه مقابل یکدیگر پنداشته شده‌اند. با این حال، متأثر از رویکردهای میان‌رشته‌ای می‌توان از هم‌گرایی میان این دو مفهوم بنیادی سخن به میان آورد. نقطه آغازین هم‌گرایی میان مسئولیت مدنی و کیفری در عناصر سازنده آنها تبیین‌پذیر است. در حالی که در مسئولیت مدنی، ایراد ضرر، وجود فعل زیان‌بار و احراز تقصیر زیان‌رساننده، موجب مسئولیت وی می‌شود، در حقوق کیفری نیز وجود گزاره جرم‌انگار، ارتکاب رفتار مجرمانه و احراز سوءنیت شرط تحقق مسئولیت کیفری است. مصادیق مناسبات میان مسئولیت مدنی و کیفری در قلمروی حقوق ماهوی در مجازات جنایات شبه عمد و مسئولیت پزشکی بررسی می‌شود. بر اساس یافته‌های این پژوهش، دیه به عنوان مجازات جنایات شبه عمد با مفهوم مسئولیت مدنی در یک راستا قرار می‌گیرد و مسئولیت پزشکی نیز متأثر از این دو نوع مسئولیت است. در حقوق کیفری شکلی نیز دعوی جبران خسارت ناشی از جرم مصداق بارزی دیگر از تعامل میان مسئولیت کیفری و مدنی است.

کلیدواژه‌گان:

تأثیر متقابل، رابطه سببیت، مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی.

* استادیار گروه حقوق دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

farid.mohseni90@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

reza1123@yahoo.com

مقدمه

مسئولیت در لغت به معنی موظف بودن به انجام امری^۱ یا انجام تعهد و مؤاخذة آمده است و مسئول بودن به مؤاخذ بودن، متعهد بودن، مورد بازخواست به سبب تعهد حفظ و حراست بودن معنی شده است.^۲ بر همین اساس، واژه مسئولیت در عرف عام به مفهوم تصمیم گیری مناسبی است که فرد در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمولاً از او می رود، دست به انتخابی بزند.^۳ در لغت نامه دهخدا/ مسئولیت «مصدر صناعی یا جعلی از مسئول. ضمانت. ضمان. تعهد. مؤاخذة» آمده است.^۴ در فرهنگ فارسی معین مسئول کسی است که فریضه‌ای بر ذمه دارد که اگر عمل نکند، از او بازخواست شود و مسئولیت به معنی مسئول بودن و موظف بودن به انجام امری است.^۵ در فرهنگ فارسی صبا مسئول در معنای پرسیده شده، خواسته شده و مسئولیت آنچه انسان عهده‌دار و مسئول آن باشد (وظایف و اعمال و افعال)، تعریف شده است. در اصطلاح حقوقی «تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است. خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او ایجاد شده باشد.»^۶ لذا، مسئولیت مدنی از نظر لغوی، مصدر جعلی است به معنی مورد سؤال واقع شدن و واژه مدنی از نظر لغوی، صفت نسبی است به معنی شهری. بنابراین مقصود از مسئولیت مدنی، مسئولیتی است ناشی از خصیصه اجتماعی انسان. در واقع، مسئولیت مدنی حقوق خطاهای مدنی و نقض قواعد حاکم بر روابط مدنی است. در اصطلاح حقوقی مسئولیت بیشتر به معنی ضمان به کار می‌رود، هر چند که

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲۱.

۲. دهخدا، علی‌کبر، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۱۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷، ص ۲۰۹.

۳. شرافت پیما، محمدرضا، محمدرضا عیسایی تفریثی و محمود صادقی، تأثیر همراه قوه قاهره بر مسئولیت،

فصل‌نامه مدرس علوم انسانی، دوره یازدهم، ۱۳۸۶، ص ۵۴.

۴. دهخدا، ص ۲۰۷.

۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲۱.

۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ

نوزدهم، ۱۳۸۷، ص ۷۲.

موارد استعمال ضمان گسترده‌تر است؛ مثلاً واژه ضمان به معنی ضمان عقدی و ضمان معاوضی هم به کار می‌رود که نمی‌توان مسئولیت را در این موارد به کار برد.^۱

بیشتر تعریف‌هایی که برای مسئولیت مدنی - که از آن در فقه به ضمان تعبیر می‌شود - بیان شده است، همه بر خسارت و جبران خسارت تمرکز کرده‌اند. مثلاً دکتر کاتوزیان به نقل از عده‌ای از حقوق دانان فرانسوی در تعریف مسئولیت مدنی می‌نویسد: «در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، می‌گویند در برابر او «مسئولیت مدنی» وجود دارد.»^۲ پاتریس ژوردن، حقوق دان مشهور فرانسوی، مسئولیت مدنی را «وظیفه‌ای که بر عهده یک مسئول نهاده شده است تا زیان‌های وارد آمده به دیگری را جبران کند»، می‌داند.^۳ مسئولیت مدنی از نظر برخی دیگر از حقوق دانان فرانسوی عبارت از وظیفه‌ای است که بر عهده یک مسئول نهاده شده است تا زیان‌های وارد آمده به دیگری را جبران کند.^۴ لذا، انسان وقتی از نظر مدنی مسئول تلقی می‌شود که ملزم باشد آثار و نتایج ضرر وارد به دیگری را جبران نماید.^۵

در مقابل مسئولیت مدنی، مسئولیت کیفری قرار دارد و آن هم عبارت است از مسئولیت مرتکب جرمی از جرایم مصرح در قانون را گویند. در مسئولیت کیفری، متضرر اجتماع است و این برخلاف مسئولیت مدنی است که در آن متضرر، افراد می‌باشند. از این‌رو، در مسئولیت کیفری اسقاط حق به صلح و سازش مسیر نیست. همچنین در این نوع مسئولیت، عمد (یعنی قصد نتیجه) شرط تحقق جرم و مسئولیت است، برخلاف مسئولیت مدنی که در قانون مدنی ایران حتی وجود خطا و مسامحه و اهمال هم شرط آن نیست.^۶ بنابراین، می‌توان چنین گفت که مسئولیت مدنی در مقابل مسئولیت کیفری قرار دارد.

۱. جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۷۴.

۲. کاتوزیان، ناصر، *الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۹، ص ۴۸.

۳. ژوردن، پاتریس، *اصول مسئولیت مدنی*، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۴، ص ۱۷.

۴. همان، ص ۱۷.

۵. لورراسا، میشل، *مسئولیت مدنی*، ترجمه دکتر محمد اشتری، تهران: نشر حقوق دان، ۱۳۷۵، ص ۲۹.

۶. اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۲، ویراست دوم، نشر میزان، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۲.

لذا مقاله حاضر به منظور تشریح و بررسی موضوع، برخلاف رویکردهای متداول و سنتی که مسئولیت مدنی و کیفری را در برابر هم قرار می‌دهند، درصدد است تا آثار متقابل میان این دو مفهوم را تحلیل و ارزیابی کند. از این‌رو، پس از شناسایی مفاهیم متناظر میان مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری، تأثیرات متقابل این دو نوع مسئولیت در حقوق ماهوی و شکلی بررسی می‌شوند.

۱. مفاهیم متناظر مسئولیت مدنی و کیفری

مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی به عنوان دو مفهوم بنیادی در قلمروی رشته حقوق در غالب موارد در نقطه مقابل یکدیگر پنداشته شده‌اند. عمده دلایلی که موجب شده‌اند مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری به عنوان دو گرایش متضاد و در نقطه مقابل هم انگاشته شوند، به تفاوت آنها در هدف، موضوع و نوع ضمانت اجرا برمی‌گردد. باین‌حال، تتبع در عناصر سازنده آنها، مفاهیم متناظری را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد که موجب نزدیکی میان عناصر سازنده هر یک از این دو مسئولیت می‌شود. از این رو، مفاهیم متناظر را می‌توان در قالب ایراد ضرر و وجود گزاره جرم‌انگار، فعل زیان بار و ارتکاب رفتار مادی جرم و احراز رابطه سببیت در هر دو نوع مسئولیت جستجو کرد.

۱.۱. ایراد ضرر و وجود گزاره جرم‌انگار

هدف از قواعد مسئولیت مدنی جبران ضرر است و به گفته بعضی از نویسندگان، از نظر فنی، مسئولیت با دین مربوط به جبران خسارت بیان می‌شود.^۱ به بیان دیگر، باید زبانی به‌بار آید تا برای جبران آن مسئولیت ایجاد شود و دینی برعهده مسئول قرار گیرد. دعوی مسئولیت هیچ‌گاه نمی‌تواند وسیله سودجویی قرار گیرد. پس، باید وجود ضرر را رکن اصلی مسئولیت مدنی شمرد و همین امر امتیاز این نهاد حقوقی بر مسئولیت اخلاقی است. قانون مدنی این قاعده را در هیچ متنی به صراحت بیان نکرده است و دلیل این سکوت را باید بداهت امر شمرد؛ زیرا آنکه زبانی نبرده است، حقی هم بر طرف پیدا نمی‌کند. ولی قانون آیین دادرسی مدنی در ماده ۲۲۸ و در

۱. کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۲۳.

مقام بیان ارکان دعوی خسارت عدم انجام تعهد اعلام می‌کند: «... در صورتی دادگاه حکم خسارت می‌دهد که مدعی خسارت ثابت کند که ضرر به او وارد شده...».

ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز ضرورت وجود ضرر را با این عبارت بیان می‌کند که «هر کس بدون مجوز قانونی ... لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» و ماده ۲ بر آن می‌افزاید: «در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی دیگری شود، دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می‌نماید...».

بدین ترتیب، ضرر در مرحله ثبوت نیز موضوع حق مورد مطالبه است و نباید آن را از لوازم داشتن نفع در اثبات حق شمرد. کسی که پولی را بابت مسئولیت دیگری مطالبه می‌کند، در خواستن آن مبلغ و اثبات مسئولیت ذی نفع است، ولی در فرضی که خسارت ندیده است، حق ندارد. به همین دلیل، نمی‌توان دعوایی را به دلیل نداشتن نفع رد کرد، اما دادگاه باید او را به سبب نداشتن حق محکوم سازد.

ضرر- که گاهی به جای آن کلمه «خسارت» به کار می‌رود- یک مفهوم عرفی است که در قانون ایران تعریف نشده و شاید قانون گذار نیازی به تعریف آن ندیده است. اما در فقه، در باب قاعده لا ضرر، فقها به تعریف آن پرداخته‌اند. در صحاح اللغه ضرر به «ضد نفع» تعریف شده و در قاموس، ضرر به معنی ضد نفع و سوء حال آمده است. راغب اصفهانی در مفردات التقرآن خود آن را به سوء حال تعریف کرده است، اعم از اینکه مربوط به نفس به خاطر کم شدن علم و فضل باشد، یا درباره بدن به علت فقدان یا نقص عضو، و یا مربوط به حال به سبب کم شدن مال یا آبرو.

سید محمد حسن بجنوردی در کتاب گران سنگ القواعد الفقهیه نیز ضمن تصریح به مفهوم عرفی ضرر، بر این اعتقاد است که «در هر حال، ظاهر از لفظ ضرر در عرف نقص در مال شخص یا آبروی او یا نفس او یا چیزی از شئون او بعد از وجود آن یا بعد از تحقق مقتضی قریب آن است، به گونه‌ای که عرف آن را موجود پندارد.»^۱ آنگاه پس از توضیحاتی در این خصوص

۱. بجنوردی، محمد حسن، القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۴.

«و علی کل حال، الظاهر من لفظ الضرر عرفاً هو النقص فی مالہ أو عرضه أو نفسه أو فی شی من شؤونه بعد وجوده، أو بعد وجود المقتضی القریب بحیث یراه العرف موجوداً.»

می گوید: «حاصل آنکه لفظ ضرر دارای مفهومی واضح نزد عرف است؛ به گونه ای که هیچ تفسیر و شرحی روشن تر از خود آن نیست و این گونه مفاهیم قابل تعریف حقیقی نیستند و هر چه در شرح آنها گفته شود، تعریف لفظی است که پنهان تر از خود آن است.»^۱ یکی از فقهای معاصر نیز ضمن اشاره به اینکه برای مفهوم ضرر باید به عرف رجوع کرد، می گوید: «ضرر، از دست دادن هریک از مواهب زندگی است که ما دارا هستیم و از آن سود می بریم، چه مربوط به مال، یا آبرو و یا غیر آن...». بر اساس نظر ایشان، ضرر تعریف گسترده ای دارد که شامل هر نوع ضرر مادی، معنوی و بدنی و حتی فوت منفعت یا عدم النفع است.^۲ لذا، در مقام جمع بندی باید گفت که ضرر ممکن است مالی (مادی و عدم النفع)، معنوی و جانی باشد.

با این حال، مسئولیت کیفری نیز مانند مسئولیت مدنی دارای عناصری است. اولین شرط برای تحقق مسئولیت کیفری، وجود گزاره ای جرم انگار است. بدین معنا که یک گزاره شفاف و صریح قانونی، انجام یا ترک یک رفتار را جرم تلقی کرده باشد. در خصوص تعریف اصطلاحی جرم، براساس مکاتب مختلف، تعاریف متفاوتی ارائه شده است در هر حال، ملاک جرم همان رفتار ممنوعه و قابل مجازات است که بنابر اصول ۳۶ و ۱۶۹ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، تعیین آن به عهده قانون گذار است.

با توجه به آنچه گفتیم، مفهوم جرم امر ثابتی است، اما در خصوص مصادیق، منبع و مصدر و ملاک تعیین آن اختلاف نظر وجود دارد. لذا، مفهوم جرم در حقوق عرفی و شرعی تجاوز به نظم اجتماعی است. لیکن در حقوق شرعی، مصدر و منبع نظم اجتماعی، وحی و احکام شارع است و احکام اخلاقی هم به واسطه اشتراک در مصدر و منبع با احکام کیفری، ملاک الزامات شرعی و قانونی قرار می گیرند. در حالی که در حقوق عرفی، الزامات مورد نظر، مبتنی بر نظر قانون گذار به عنوان منتخب اکثریت جامعه است. این اصل یادآور اصل قانونی بودن جرم و مجازات می باشد.

۱. همان، ص ۲۱۵.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، *التواعد الفقہیہ*، جلد ۱، قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب، ۱۳۷۰ ص ۴۹؛ صفایی، سید حسین و حبیب الله رحیمی، *مسئولیت مدنی*، تهران: سمت، چاپ دهم، ۱۳۹۶، صص ۹۷ و ۹۸.

۱.۲. فعل زیان بار و ارتکاب رفتار مادی جرم

اصل متناظر دوم میان مسئولیت مدنی و کیفری، وجود فعل زیان بار و انجام رفتار مجرمانه است. به عبارت بهتر، برای تحقق مسئولیت مدنی و کیفری انجام یک رفتار غیرمجاز شرط است. این رفتار در مسئولیت مدنی، رفتار و فعل زیان بار و در مسئولیت کیفری، ارتکاب رفتار مجرمانه است. در هر مورد که از کاری به دیگران زیان برسد، مسئولیت مدنی ایجاد نمی‌شود. باید کار زیان بار در نظر اجتماع ناهنجار باشد و اخلاق عمومی ورود ضرر را ناشایسته بداند. در پاره‌ای از قوانین، مانند قانون مدنی فرانسه، مفهوم «تقصیر» را برای بیان نامشروع بودن کار زیان بار کافی دانسته‌اند؛ زیرا ارتکاب تقصیر در نظر قانون یا عرف ناپسند و شایسته نکوهش است و دیگر نیازی به تصریح دوباره نیست. این تعبیر در صورتی درست است که تقصیر منبع منحصر مسئولیت باشد، ولی در نظام‌های حقوقی که مسئولیت بدون تقصیر، هر چند به‌طور استثنایی، وجود دارد، اشاره به لزوم نامشروع بودن فعل لازم است. به همین دلیل، در قوانین مدنی سوئیس و آلمان آمده است که کار زیان بار باید برخلاف قانون نامشروع باشد. ماده اول قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، با اینکه مبنای مسئولیت را تقصیر می‌داند، مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی ... موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

در فصل ششم قانون مجازات اسلامی (موجبات ضمان) در چندین ماده از الفاظ «مجاز یا غیرمجاز» و «منع قانونی» و «جایز» استفاده شده است. واژگان مذکور و همین‌طور واژه «عدوان» یا اصطلاح «نامشروع بودن فعل» در متون فقهی به معنای جواز یا عدم جواز در فعل ارتكابی بوده و اهمیت آن در بحث تقصیر است. از همین رو اظهار داشته‌اند: «نامشروع بودن فعل زیان بار عمدتاً در عنصر تقصیر ظاهر می‌شود.»^۱ قانون مدنی فرانسه نیز مفهوم تقصیر را برای بیان نامشروع بودن کار زیان بار کافی دانسته است؛^۲ «زیرا ارتکاب تقصیر در نظر قانون یا عرف ناپسند و شایسته نکوهش است و دیگر نیازی به تصریح دوباره آن نیست.»^۳ منظور از عمل

۱. غمامی، مجید، قابلیت پیش‌بینی ضرر در مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۹۱.

۲. کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۳۱۱.

۳. همان.

نامشروع صرفاً جرم نیست، بلکه مقصود آن است که یک عمل زیان آور و بدون مجوز قانونی باشد.^۱

در مسئولیت کیفری نیز اصلی‌ترین رکن تشکیل دهنده جرم که جنبه عینی و واقعی دارد، رکن مادی است. جرم رفتار متفکرانه خلاف قانون است. بنابراین تا رفتار ممنوعه توسط فردی اجرا نگردد، تحقق جرم بی معناست و مجازات محلی از اعراب ندارد. اگر قصد مجرمانه همراه با واکنش خارجی نباشد، یعنی ظهور خارجی و تجلی عینی پیدا نکند، قابل مجازات نیست. باید رفتاری که از طرف قانون جرم شناخته شده است، با قصد و نیت مجرمانه صورت گیرد تا بتوان مرتکب را در صورت داشتن شرایط لازم، مسئول دانسته، مجازات کرد.

در تعریف جرم اولین و مهم‌ترین موضوعی که مورد توجه قانون‌گذار قرار می‌گیرد، رفتار تشکیل‌دهنده جرم است. به موجب ماده ۲ قانون مجازات اسلامی: «هر فعل یا ترک فعلی که برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود». با این حال، به نظر می‌رسد تعریف جرم به رفتاری که در قانون برای آن مجازات تعیین شده، جامع و مانع است. این تعریف هم شامل جرایم مستلزم فعل مادی، مانند سرقت و قتل، و هم شامل جرایم مستلزم فعل معنوی، مانند افترا و شهادت دروغ، و هم شامل جرایم مستلزم ترک فعل، مانند ترک انفاق، می‌شود. همچنین جرایم مستلزم داشتن حالت، مانند ولگردی و جرایم مستلزم نگهداری شیء ممنوعه، مانند نگهداری مواد مخدر یا اسلحه غیر مجاز، را نیز شامل می‌شود. رفتار مجرمانه، تظاهر خارجی اندیشه بزهکارانه است که امکان دارد به صورت فعل، ترک فعل، داشتن و نگه داشتن و اظهارات شفاهی تجلی پیدا کند. در عین حال، در جرایمی مثل توطئه علیه امنیت کشور یا تبانی برای ارتکاب جرم علیه اعراض و نفوس و اموال مردم (موضوع مواد ۶۱۰ و ۶۱۱ قانون تعزیرات)، صرف توطئه و تبانی بدون انجام رفتار ظاهری، جرم تلقی شده است که این موارد استثنایی و به خاطر رعایت مصالح نظام اجتماعی است.

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، موجبات ضمانت در آمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۶۱.

۱.۳. احراز رابطه سببیت

صرف تحقق ضرر و فعل زیان بار یا تقصیر، موجب تحمیل مسئولیت به اشخاص نمی شود و لازم است میان ضرر و فعل زیان بار، رابطه سببیت وجود داشته باشد. بنابراین به عنوان مثال، صرف رد شدن اتومبیل از چراغ قرمز و افتادن موتورسیکلتی در جوی آب کنار خیابان موجب مسئولیت راننده اتومبیل نیست و باید ثابت شود افتادن موتورسیکلت در جوی آب در اثر خطای راننده بوده است.

ضرورت وجود رابطه سببیت، به عنوان یکی از ارکان مسئولیت مدنی، در همه نظام های حقوقی پذیرفته شده است. در فقه و به تبع آن در حقوق ایران هرچند در اتلاف و تسبیب بر ضرورت وجود رابطه سببیت میان ضرر و فعل زیان بار تأکید می شود.

منطق و عدالت حکم می کند که هیچ کس مسئول خساراتی که ناشی از تقصیر یا فعل زیان بار او نیست، نباشد. قانون گذار ایران با عبارات مختلفی همین معنا را بیان کرده است؛ مثلاً در ماده ۳۲۸ قانون مدنی تصریح شده است که «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است...» یا در ماده ۳۳۱ همین قانون ذیل تسبیب آمده است: «هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد...» و یا در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیز گفته شده است که «... مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد». مواد ۴۹۲ و ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی نیز بر ضرورت احراز رابطه سببیت تصریح کرده اند. در ماده ۵۲۹ آمده است: «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است، دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید.» در ماده ۵۳۱ همین قانون نیز تصریح شده است که «در موارد برخورد، هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد، مثل اینکه حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مستند به اوست، ضمان ثابت است.»

احراز رابطه سببیت بین تقصیر و ورود ضرر نیز گاه مسائل پیچیده ای را به وجود می آورد که جز به یاری ذوق سلیم و توجه به قرائن هر دعوا، نمی توان راه حلی برای آن پیدا کرد. در موردی که مسئولیت ناشی از فعل شخص است، باید رابطه سببیت بین تقصیر خوانده و ورود ضرر اثبات شود. برعکس، در فرضی که مسئولیت از فعل غیر به وجود می آید، احراز بدین گونه ضرورت ندارد، ولی باید ثابت شود که میان فعل یا تقصیر کسی که مسئولیت کارهایش به عهده خوانده است و

ورود ضرر رابطه علیت وجود دارد. برای مثال، ادعا می شود که کارگری هنگام کار یا به مناسبت انجام آن به دیگری ضرر زده است و بنابراین کارفرما باید آن را جبران کند. در این دعوا، رابطه سببیت بین تقصیر کارفرما و ورود ضرر نیازی به اثبات ندارد، لیکن باید احراز شود که ضرر ناشی از فعل کارگر است؛ همچنین است در مسئولیتی که سرپرست صغیر و مجنون نسبت به اعمال او دارد و مانند اینها. در این موارد نیز گفته می شود که رابطه سببیت غیرمستقیم میان فعل مسئول و زیان وجود دارد و این دو عامل بی ارتباط نیست؛ چنان که کارفرما با استخدام کارگر و گماردن او به کار زیان بار در ایجاد آن دخالت دارد. در خصوص خسارت ناشی از حوادث وسایل نقلیه موتوری، گاه در تصادمی که رخ می دهد به رابطه سببیت بین تقصیر راننده و وقوع حادثه توجه می شود و گاه نیز فقط رابطه وسیله نقلیه با بروز حادثه زیان بار اهمیت پیدا می کند و تقصیر و بی گناهی مالک اثری در مسئولیت ندارد.

در اکثر جرایم عمدی، برای جرم دانستن رفتار مرتکب، لازم است نتیجه و زبانی بر رفتار او مترتب گردد، در غیر این صورت جرم تحقق پیدا نمی کند. این گونه جرایم را «جرم مقید» می گویند. در جرایم غیرعمدی نیز علاوه بر رفتار مرتکب و خطای کیفری، لازم است نتیجه ای بر آن مترتب گردد و مانند جرایم عمدی مقید، بدون حصول نتیجه مجرمانه، جرم تحقق پیدا نمی کند. در این گونه جرایم که تحقق جرم منوط به وجود نتیجه مجرمانه است، همواره باید نتیجه موردنظر، ناشی از رفتار مرتکب باشد تا او مسئول تلقی شود. نتیجه مذکور گاهی به طور مستقیم از رفتار مرتکب ناشی می شود و بین رفتار او و نتیجه واسطه ای وجود ندارد که در این حالت مرتکب را مباشر می گویند، اما گاهی بین رفتار مرتکب و نتیجه مجرمانه، عامل دیگری واسطه می شود که در صورت عدم وجود آن عامل نتیجه واقع نمی شود؛ به عبارت دیگر رفتار مرتکب با واسطه منجر به وقوع نتیجه مجرمانه می شود که در این حالت عامل حکم مباشر را دارد و مرتکب به عنوان سبب است. در جرائمی که حصول نتیجه مجرمانه برای تحقق جرم لازم است، وجود سه شرط لازم می آید: ارتکاب رفتار ممنوعه با سوءنیت، وقوع صدمه و خسارت و ترتب نتیجه مجرمانه بر رفتار ممنوعه، و احراز رابطه سببیت بین رفتار ممنوعه و نتیجه حاصله.

یکی از تحولات قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این باب وضع ماده ۴۹۳ است که در قانون سابق وجود نداشت. بر اساس این ماده، «وجود فاصله زمانی میان رفتار مرتکب و نتیجه ناشی از

آن مانع تحقق جنایت نیست؛ مانند فوت ناشی از انتقال عامل بیماری کشنده که حسب مورد موجب قصاص یا دیه است» که مشابه این ماده در قانون سابق ۱۳۷۰ دیده نمی شود. پس زیان دیده برای مطالبه خسارت باید اثبات کند که رابطه سببیت بین خسارت وارده و عمل خواننده دعوا وجود داشته است و وجود فاصله زمانی به هیچ وجه قاطع تداوم رابطه نیست، بلکه باید رابطه سببیت یا علیت بین خسارت وارده و تقصیر یا فعل زیان بار وجود داشته باشد که عدالت و منطقی نیز همین حکم را می کند و نباید وجود فاصله زمانی را قطع کننده این رابطه دانست. از جمله مواد ۴۹۳ و ۴۹۲ و به ویژه ماده ۵۲۶ که احکام آنها مبتنی بر وجود رابطه سببیت عرفی است.^۱

ماده ۵۰۶ همین قانون نیز به تعریف تسبیب در جنایت پرداخته و گفته است: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود؛ به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شود، مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.»

اتلاف گاه به مباشرت و گاه به تسبیب است. مراد از مباشرت ایجاد علت تلف است و تسبیب ایجاد امری است که به واسطه آن تلف حاصل می شود. اما تلف به علت دیگری رخ می دهد، مشروط بر اینکه سبب از این نظر قصد شده باشد.^۲ در حالت عرضی همه اسباب مؤثر در زیان وارد شده به طور هم زمان و در عرض یکدیگر عمل می کنند و عامل دوری و نزدیکی در آن متصور نیست و نمی توان سبب اول را از سبب آخر تمیز داد، اما در حالت طولی هر کدام از اسباب مؤثر در ضمان، شرایط و مقدمات لازم را به وجود می آورد و در انتها سلسله عوامل با تحقق آخرین سبب زیان محقق می شود.^۳

در هر حال قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۵۳۳ اشعار می دارد: «هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردد؛ به طوری که آن جنایت یا خسارت

۱. خدابخشی، عبدالله، بیمه و حقوق مسئولیت مدنی (دعوی بیمه و مسئولیت مدنی)، جلد ۲، تهران: انتشارات

جنگل، ۱۳۹۳، ص ۱۰.

۲. حسینی مرتعی، میر عبدالفتاح، العناوین، ترجمه عباس زراعت، جلد ۲، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم،

۱۳۸۸، ص ۳۶۱.

۳. زنجانی، عمید، ۱۳۸۹، ص ۹۰.

به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می باشند.» مفاد این حکم به گونه ای دیگر در ماده ۵۲۸ همین قانون در خصوص برخورد وسیله نقلیه زمینی، هوایی و دریایی تکرار شده است.

۲. مصادیق مناسبات مسئولیت مدنی و کیفری در حقوق ماهوی

در این قسمت مهم ترین مصادیق مناسبات میان مسئولیت مدنی و کیفری در قلمروی حقوق ماهوی مطرح می شود. مهم ترین مباحث این قسمت عبارت اند از: دیه به عنوان مجازات جنایات شبه عمد و مسئولیت پزشک.

۲.۱. دیه به عنوان مجازات جنایات شبه عمد

بر اساس نظر مشهور، برای تحقق هر جرمی، سه رکن قانونی، مادی و روانی لازم است. لذا، صرف ارتکاب رفتار مجرمانه توسط فاعل، خود به خود دلیل مسئول بودن و در نتیجه قابل مجازات بودن مرتکب آن نمی تواند باشد؛ بلکه رفتار مرتکب مظهر اراده و قصد شخص مرتکب باید باشد. بر اساس این نظر، تا رفتار ممنوعه همراه با قصد مجرمانه یا خطای جزایی نباشد، جرم تحقق پیدا نخواهد کرد. مراحل ذهنی قصد مجرمانه یا سوء نیت، مقدم بر ظهور رفتار مرتکب در عالم خارج است و در واقع رفتار مرتکب تجلی ذهنیت او یا ذهنیت فعلیت یافته اوست و تأثیر اراده در واقعیت جرم، انعکاس شخصیت انسان در عمل مجرمانه است.

در قتل یا جرح یا نقص عضو شبیه عمد، مرتکب «عامداً فی فعله» و «مخطاً فی قصده» می باشد و آن وقتی است که طبق آنچه که در بند «الف» ماده ۲۹۱ «قانون مجازات اسلامی»، مصوب سال ۱۳۹۲ آمده است، «مرتکب نسبت به مجنی علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد، و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می گردد نباشد»، «مانند آن که کسی را به قصد تأدیب، به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمی شود، بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد، یا طبیعی مباحثاً بیماری را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقاً

موجب جنایت بر او شود.^۱ بدین ترتیب، از آن نظر که این عمل به دلیل عمد در فعل، به جرم عمدی، و به دلیل خطا در قصد، به جرم خطئی شبیه است، به آن شبه‌عمد یا خطای شبیه عمد یا عمد شبیه خطا^۲ می‌گویند.^۳ با توجه به این که در جنایات شبه‌عمد، مرتکب در انجام فعل عامد می‌باشد، تحقق سه جزء مختلف عنصر مادی جرایم علیه اشخاص، یعنی رفتار فیزیکی، شرایط لازم برای تحقق جرم و نتیجه حاصله از رفتار در خصوص جنایات شبه‌عمد نیز عیناً صادق است. به همین دلیل، تفاوتی بین انواع مختلف جنایت از نظر عنصر مادی گذاشته نمی‌شود؛ زیرا ملاک تفکیک بین جنایات مختلف از نظر فقها اختلاف در عنصر روانی آنهاست. در اینجا، فقط تأکید بر این نکته ضروری است که هرچند دو مثال مورد اشاره قانون‌گذار در بند «ب» ماده ۲۹۵ «قانون مجازات اسلامی» سابق، به شرح فوق، مربوط به حالتی بود که فعل مرتکب علی‌الاصول مشروع و قانونی باشد، لیکن محدود کردن جنایات شبه‌عمد به افعال مشروع و غیر عدوانی وجهی ندارد. بنابراین، چه اقدام تربیتی پدر به قصد تأدیب و تنبیه فرزند، یا اقدام متعارف پزشک به قصد معالجه بیمار، منجر به مرگ ناگهانی فرزند یا بیمار شود، و چه ضرب و شتم مال‌باخته‌ای از سوی سارق به چنین نتیجه‌ای منتهی گردد، قتل ارتكابی در همه این حالات شبه‌عمد محسوب می‌شود. بدین ترتیب، مرگ یا جراحت ناشی از اقدام پزشک یا تأدیب‌کننده (مؤدب) از مصادیق بازر جنایت شبه‌عمد در فقه اسلامی و حقوق ایران می‌باشد.^۴

بر اساس ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی، دیه اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت شبه‌عمد بر نفس، اعضا و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر دلیلی قصاص ندارد، به موجب قانون مقرر می‌شود.

۱. بند «ب» ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی سابق، مصوب سال ۱۳۷۰، از میان فقهای اهل سنت، شافعی همین تعریف را از شبه‌عمد ارائه می‌دهد. در حالی که ابوحنیفه جنایت ناشی از ابزار غیر آهنین، مثل عصا و سنگ، را شبه‌عمد می‌داند. ر.ک. فتوحی بهنسی، احمد، *الجرائم فی الفقه الاسلامی*، ص ۲۱۶.

۲. شهید ثانی، شرح لمعه، *کتاب القصاص*، ص ۲۰.

۳. از میان فقهای اهل سنت، مالک و ابن حزم جنایت شبه‌عمد را قبول ندارند. از نظر آنها جنایت یا عمد یا خطا است. ر.ک. فتوحی بهنسی، احمد، *الجرائم فی الفقه الاسلامی*، ص ۲۱۶؛ عبدالعزیز، امیر، *الفقه الجنائی فی الاسلام*، ص ۱۰۷.

۴. میرمحمد صادقی، حسین، *جرایم علیه اشخاص*، نشر میزان، چاپ سی و پنجم، ۱۳۹۲، ص ۳۲۱.

در خصوص ماهیت دیه، در فقه اسلامی و حقوق ایران، اختلاف نظرهایی وجود دارد. دلیل عمده این اختلاف نظرها، برگرفته از تعامل و قرابت دیه با مسئولیت مدنی و کیفری است. در خصوص جبران خسارت‌انگاری نسبت به دیه، عقیده بر این است که دیه ذاتاً برای زدودن خسارات ناشی از عمل جانی توسط شارع وضع و ایجاد شده است و از این رو باید همه خساراتی که به بزه‌دیده وارد می‌شود، با پرداخت دیه تأمین شود. امروزه بسیاری از حقوق‌دانان با توجه به اصول حقوقی و مقررات مندرج در قانون اساسی و قوانین عادی مفهوم دیه را شامل کلیه خسارت‌های ناشی از جرم می‌دانند و برای اثبات نظریه خود به موارد و دلایل زیر استناد می‌کنند.

۱. به موجب اصل اباحه حق تظلم و مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم از حقوق اساسی مردم است و دلیل مخالف آن موجود نیست.

۲. به موجب اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون‌گذار صریحاً مطالبه ضرر و زیان ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی را در تطبیق مورد یا در موضوع یا در حکم جایز اعلام کرده است.

۳. به موجب ماده ۹ قانون اصول محاکمات جزایی ۱۳۹۰ که مشابه آن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده است، مدعی خصوصی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان مادی و معنوی می‌شود، حق دارد به تبع ادعای دادستان مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم کند.

۴. به موجب ماده ۱۴ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ اصلاحی ۱۳۸۲، صادرکننده چک می‌تواند در صورتی که چک او سرقت یا جعل شده باشد، کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک محال‌علیه صادر کند. دارنده چک نیز می‌تواند با اخذ برگ عدم پرداخت با ذکر علت علیه دستوردهنده شکایت کند و طبق ماده ۱۵ همین قانون می‌تواند وجه چک و ضرر و زیان خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی مطالبه کند.

۵. در مسائل کیفری لزوم رعایت اصل شخصی بودن جرم و مجازات که امروزه در کلیه نظام‌های کیفری و اسناد جهانی حقوق بشر، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، مورد تأکید قرار گرفته و دولت جمهوری اسلامی ایران هم آن را تا به اکنون مورد قبول قرار داده است، در برگیرنده اصولی است که طبق آن اعمال مجازات باید براساس اثبات مجرمیت متهم باشد و مجرمیت هم در صورت اثبات

مسئولیت کیفری مسلم و محرز خواهد شد و هر کس باید ملزم به جواب‌گویی به کلیه آثار و نتایج عمل محرمانه خودش باشد.

۶. به موجب اصل لاضرر، قوانین باید به گونه‌ای تفسیر شوند که وضع متضرر از جرم را به حال قبل از وقوع جرم بازگرداند؛ یعنی کلیه ضررهای ناشی از جرم و بزه را جبران و تأمین کند. با این حال، فارغ از استدلال‌ات دو گروه در خصوص ماهیت کیفری یا خصوصی دیه باید به این نکته مهم اشاره کنیم که نزاع درگرفته در این خصوص گویای ماهیت دوگانه و اثرپذیری متقابل مسئولیت مدنی و کیفری از یکدیگر می‌باشد.

۲.۲. مسئولیت پزشک

در خصوص مسئولیت مدنی و کیفری پزشک در حقوق ایران، تعامل وافر میان مسئولیت مدنی و کیفری مشاهده می‌شود؛ به طوری که گاه مبانی این دو نوع مسئولیت در قلمروی حرفه پزشکی دارای هم‌پوشانی‌هایی می‌شود.

مبانی مسئولیت مدنی پزشک را می‌توان در دو قالب نظریات مبتنی بر تقصیر و عدم تقصیر بررسی کرد. بر اساس نظریه تقصیر، طبق این نظریه، مباشر خسارت فقط زمانی مسئول جبران ضرر است که مرتکب تقصیری شده باشد و خسارت هم معلول آن تقصیر باشد. وجود رابطه سببیت بین خسارت و تقصیر است که جبران خسارت را توجیه می‌کند.

مطابق این نظریه، اصل بر عدم مسئولیت فاعل است و به دلیل همخوانی اظهارات او با اصل، نیازی به ارائه دلیل ندارد. پس بار اثبات تقصیر بر عهده زیان‌دیده است و در صورت عدم اثبات تقصیر، ضمانی متصور نمی‌باشد، اما در صورت اثبات تقصیر این امکان برای فاعل زیان وجود دارد تا در مقام دفاع، عدم تقصیر خود را اثبات کند یا به علت خارجی استناد نماید تا از مسئولیت معاف گردد.^۱ در نظریه تقصیر، تنها انجام عمل زیان‌بار ضمان‌آور نمی‌باشد، بلکه فاعل می‌بایست مرتکب تقصیر شده باشد. در باب تعریف تقصیر، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد، اما در یک تعریف جامع می‌توان گفت: «تقصیر عبارت است از: تعدی و تجاوز از حدود اذن و متعارف نسبت به حق یا مال دیگری و تفریط در کاری که به موجب قرارداد یا متعارف برای

۱. همان، ص ۲۷.

حفظ حق یا مال غیر، لازم است.» پس ملاک تقصیر، سنجش رفتار متعارف می‌باشد و در حقوق ایران هم با توجه به مسئولیت صغیر و مجنون از میان تقصیر شخصی و نوعی، تقصیر نوعی پذیرفته شده است در مسئولیت مدنی، تقصیر همیشه برخلاف اصل است و نیاز به اثبات دارد، اما در مسئولیت قراردادی دو نظر است: یکی اینکه تقصیر به صورت اماره مفروض است و دیگر اینکه نقض عهد خدا تقصیر است.^۱

در نظریات مبتنی بر عدم تقصیر در این نظریه به مانند نظریه فرض تقصیر، اصل بر مسئولیت فاعل زیان می‌باشد؛ اما تفاوت مهم این دو نظریه آن است که در نظریه خطر تقصیر به کلی حذف شده است؛ یعنی به دلیل قرار نگرفتن این نظریه بر پایه تقصیر، اثبات عدم تقصیر یا رعایت احتیاط‌های لازم در زمان مسئولیت اثرگذار نیست، بلکه فاعل زیان صرفاً با اثبات علت خارجی (حادثه غیرقابل پیش‌بینی و اضرارناپذیر عرفی) می‌تواند از مسئولیت معاف شود.^۲ بر طبق نظریه خطر، همین که شخص زبانی به بار آورد، باید جبران شود و زیان‌دیده کافی است ثابت کند ضرر به او وارد شده و این ضرر ناشی از فعل خواننده دعواست. می‌توان گفت که مهم‌ترین فایده نظریه خطر، از بین بردن تقصیر و مشکلات مربوط به اثبات آن و در نتیجه راحت‌تر شدن طرح دعوای مسئولیت مدنی است و بدین ترتیب بیشتر ضررها جبران می‌گردد، علاوه بر این اطمینان و امنیت مردم در مقابل نیروهای اقتصادی و دستگاه‌های عظیم تضمین می‌شود.

ارکان تشکیل‌دهنده مسئولیت پزشکی، از جمله مواردی را که در امور کیفری قابل تصورند، می‌توان در اجتماع شرایط زیر ترسیم نمود: ۱. خطای پزشکی یا وجود فعل زیان‌بار، ۲. تحقق خسارت یا ایجاد ضرر، ۳. رابطه سببیت بین خطای پزشکی و خسارت وارده بر بیمار.^۳

بدین ترتیب، می‌توان چنین ادعا نمود که خطای پزشکی، ممکن است ناشی از نقض تعهد پزشک در مقابل بیمار یا تخلف انتظامی و یا قصور و سهل‌انگاری در انجام وظیفه یا تقصیر پزشکی باشد که حسب مورد، منتهی به مسئولیت کیفری پزشک گردد. در حقیقت، خطایی که نوعاً پزشک مرتکب می‌گردد، در زمره خطاهای شغلی و حرفه‌ای بوده و معیار تشخیص آن، عرف

۱. بهرامی احمدی، حمید، *ضمان قهری (مسئولیت مدنی)*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۴۰.

۲. ره پیک، حسن، *حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها*، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ سوم، ۱۳۹۵، ص ۳۹.

۳. حسینی، سید حسین، *مسئولیت کیفری متصدیان پزشکی*، مجله حقوق پزشکی، پاییز ۱۳۸۷، ص ۱۱.

متخصصین پزشکی و رعایت استانداردهای شغلی و حرفه‌ای است. بدین‌سان، در همین راستا، بند ۶ ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی جدید تصریح نموده است که پزشک در اقدامات خود باید موازین فنی و علمی و نظامات دولتی را مراعات نماید،^۱ در غیر این صورت، واجد مسئولیت خواهد بود.

۳. مصادیق مناسبات مسئولیت مدنی و کیفری در حقوق شکلی

در کنار حقوق اخلاقی- انسانی بزه‌دیده که به شأن، منزلت، رعایت احترام و حفظ کرامت انسانی او برمی‌گردد، حقوق عینی- مادی بیشتر به تمامیت مادی بزه‌دیدگان، اعم از تمامیت بدنی و روانی و آنچه به این تمامیت وابسته است، مانند ترمیم درد و رنج‌های عاطفی و حیثیتی که جبران آن جنبه عینی یا مادی دارد یا صدمات مالی او مربوط است. جرایم علاوه بر آنکه امکان دارد موجب خسارت جسمانی و احساسی شوند، ممکن است خسارات مادی را نیز برای بزه‌دیده به همراه داشته باشد. از این رو، در اثر ارتکاب جرم، ممکن است مالی به سرقت رود یا تخریب شود، هزینه‌های درمانی و مشاوره‌ای بر بزه‌دیده بار شود و یا درگیری وی در فرایند کیفری، بخشی از درآمد وی را کاهش دهد. بر این اساس، آثار مادی ارتکاب جرم بر بزه‌دیده، لایه دیگری از بحران‌های بزه‌دیدگی را برای فرد به وجود می‌آورد.

جبران خسارت از قربانی جرم یکی از بدیهی‌ترین حقوق بزه‌دیده محسوب می‌شود که بر اساس بند ۸ اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، قطعنامه شماره ۴۰/۳۴ مجمع عمومی سازمان ملل می‌بایست «برگرداندن مال یا پرداخت پول برای آسیب یا زیان واردشده، پرداخت هزینه‌هایی که بزه‌دیده به دنبال بزه‌دیدگی به آن دچار شده است، خدمت‌رسانی و ترمیم حقوق بزه‌دیده» را در برگیرد.

به عبارت بهتر، ساده‌ترین و برجسته‌ترین گونه حمایتی از بزه‌دیدگان، جبران خسارت مادی است. در این بستر، نظام‌های کیفری در پی آن‌اند تا با ترمیم خسارات وارده بر بزه‌دیده، بخشی از مشکلات بزه‌دیدگی وی را رفع کنند. فلسفه جبران خسارت مادی برای بزه‌دیدگان آن است که بزهکار با ارتکاب رفتار مجرمانه موجب ایراد خسارت بر بزه‌دیده شده است و بر اساس قاعده

۱. همان.

اقدام باید از عهده خسارات وارده برآید. با وجود اهمیت جبران خسارت و برشمردن آن به مثابه یکی از حقوق مسلم بزه‌دیدگان، به نظر می‌رسد که در تعیین آن به شاخص‌های مختلفی چون ماهیت و گستره صدمات وارد بر بزه‌دیده، شتاب‌دهندگی بزه‌دیده، وقایع پرونده و توان مالی مرتکب توجه می‌شود.

در نظام عدالت کیفری ایران، جبران خسارات مادی در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری پذیرفته شده است. بر اساس ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی، مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است، اگر موجود باشد عین آن، و اگر موجود نباشد مثل آن، و در صورت عدم امکان رد مثل، قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید. هرگاه از حیث جزایی و جبهی برعهده مجرم تعلق گیرد، استرداد اموال یا تأدیه خسارت مدعیان خصوصی بر آن مقدم است.

بر این اساس، در سامانه دادگری جنایی ایران و پس از انقلاب، تا زمان تصویب قانون آیین دادرسی کیفری سال ۹۲، صحبتی از خسارات معنوی نشده بود. اما بر اساس قانون مورد اشاره، خسارات معنوی نیز به رسمیت شناخته شده است. بر اساس ماده ۱۴ قانون یادشده، شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند. بر اساس تبصره ۱ ماده فوق، زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر، از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن، حکم نماید. بر اساس تبصره ۲، منافع ممکن‌الحصول فقط به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرایم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود.

۳.۱. دعوای مطالبه خسارت ناشی از جرم

در تعریف دعوای خصوصی ناشی از جرم می‌توان گفت: دعوای خصوصی ناشی از جرم دعوایی است که به منظور جبران ضرر و زیان مادی، معنوی یا از بین رفتن منافع ممکن‌الحصول از سوی بزه‌دیده اقامه می‌شود. برخی از حقوق‌دانان در تعریف دعوای خصوصی گفته‌اند: «وسیله‌ای برای جبران ضرر و زیان ناشی از جرم است. بدین معنا که هرگاه جرمی واقع شود و

به دیگری ضرری وارد گردد برای او حق در مطالبه جبران خسارت ناشی از جرم ایجاد می‌شود؛ بنابراین وسیله‌ای که اجرای حق متضرر از جرم به واسطه آن صورت می‌گیرد را دعوی خصوصی نامند.^۱ عده‌ای دیگر نیز بیان نموده‌اند که دعوی خصوصی دو معنا دارد: معنای خاص و معنای عام. در معنای خاص کلمه، منظور از دعوی خصوصی، مطالبه ضرر و زیان از طرف مدعی خصوصی است. ولی دعوی خصوصی در معنای عام کلمه، قلمرو وسیع تری دارد؛ زیرا علاوه بر درخواست ضرر و زیان، به هزینه‌های دادرسی، اعاده وضع به حال سابق و استرداد اموال حاصل از جرم نیز اطلاق می‌شود.^۲ بنابراین در معنای عام دعوی ناشی از جرم شامل قصاص و دیه نیز می‌شود، گرچه قصاص و دیه نوعی مجازات می‌باشند و ضمانت اجرای کیفری دارند، ولی دارای ماهیت ترمیمی به منظور جبران ضرر وارده به زیان دیده می‌باشند.

سه تن از حقوق‌دانان فرانسه دعوی ناشی از جرم را این گونه تعریف نموده‌اند: هنگامی که جرم موجب اخلال در نظم عمومی، خسارت جسمانی، مادی یا معنوی زیان دیده شود، زیان دیده حق دارد خسارت ناشی از جرم را با طرح دعوی جبران خسارت نزد دادگاه مدنی یا کیفری رسیدگی به جرم مطالبه کند.^۳ در حقوق فرانسه وفق ماده ۲ ق.آ.د.ک، اقامه دعوی خصوصی برای جبران ضرر و زیان ناشی از جنایت، جنحه یا خلاف به اشخاصی که مستقیماً از جرم آسیب و ضرر دیده‌اند، تعلق می‌گیرد.^۴ در واقع دعوی خصوصی که در صلاحیت دادگاه کیفری می‌باشد، دعوی است که برای جبران خسارتی اقامه می‌شود که به طور مستقیم از جرم ناشی شده باشد، ولی اگر منشأ خسارت عامل دیگری غیر از جرم داشته باشد، نمی‌توان آن را در دادگاه کیفری مطالبه نمود.

بنابراین، ویژگی‌های دعوی خصوصی مطرح شده در قانون آیین دادرسی کیفری این است که اولاً دعوی خصوصی باید ناشی از جرم باشد؛ ثانیاً دعوی خصوصی باید منتهی به جبران خسارت

۱. فقیه نخجیری، حسن، «دعوی خصوصی در دادگاه جزا»، رساله دکترا، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰، ص ۱۴.

۲. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، جلد ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵، ص ۲۲۸.

3. Stefani, Gaston' Georges, *Levasseur; Boulec, Bernard, Procédurè pénale*, 18i édition, Dalloz, 2001,P 148.

۴. تدین، عباس، *ترجمه قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه*، تهران: انتشارات خرسند، ۱۳۹۴، ص ۲۷.

مادی یا معنوی ناشی از جرم گردد. به همین دلیل است که دعوی طلاق به دلیل رابطه نامشروع یا ضرب و جرح یک دعوی خصوصی محسوب نمی‌گردند، هرچند منشأ دعوی طلاق، جرم باشد. علی‌رغم این موضوع، مواردی در دادگاه‌های کیفری تهران دیده شده است که در برخی از جرایم، مثل بزه انتقال مال غیر، زیان دیده از جرم تحت عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم، دادخواست خلع ید و الزام به تنظیم سند و ابطال اسناد رسمی به دادگاه کیفری تقدیم نموده است و دادگاه کیفری بدون توجه به اینکه دعاوی مذکور دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم نیستند، دادخواست را پذیرفته و در ماهیت دعوا رسیدگی نموده است.

۳.۲. شرایط طرح دعوی خصوصی در محاکم کیفری

مهم‌ترین شرایط طرح دعوی خصوصی عبارت‌اند از: ارتکاب جرم، ایراد ضرر و طرح شکایت.

۳.۲.۱. ارتکاب جرم

اولین شرط برای طرح دعوی خصوصی در محاکم کیفری، ارتکاب جرم است؛ بدین معنا که بزه دیده ضمن شکایت از مرتکب، نسبت به طرح دعوی خصوصی اقدام کند. با توجه به آنکه جرم و شرایط احراز آن در بخش نخست به تفصیل شرح داده شد، از بیان مجدد آنها خودداری می‌شود.

۳.۲.۲. ایراد ضرر

شرط دوم برای طرح دعوی خصوصی ایراد ضرر به بزه دیده است؛ بدین معنا که در ارتکاب جرم، فرایندهای مجرمانه باید موجب خسارت بزه دیده نیز شود. از این رو، ضرر در معنای خود شامل ضرر مادی، معنوی و منافع ممکن الحصول می‌شود.

۳.۲.۳. طرح دعوی کیفری

بر اساس ماده ۱۱ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، «پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، مدعی یا شاکی می‌تواند اصل یا رونوشت تمامی دلایل و مدارک خود را به منظور پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و همچنین می‌تواند قبل از اعلام ختم دادرسی تسلیم دادگاه نماید. مطالبه ضرر و زیان مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی می‌باشد.» عین عبارت فوق در ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ نیز بدین نحو تکرار

شده است: «پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.» در صدر هر دو ماده فوق، عبارت «پس از آنکه متهم، تحت تعقیب قرار گرفت» آمده است. این عبارت نشان می دهد که شرط جبران خسارت توسط بزهکار، گزارش جرم به نهادهای کیفری و آغاز فرایند تعقیب کیفری است.

همان گونه که هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۵۸۲ مورخ ۷۱/۱۲/۲ اعلام کرده است: «مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم که در دادگاه کیفری مطرح می شود، مستلزم ارائه دادخواست با شرایط قانونی است». قانون گذار نیز در ماده ۱۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ به لزوم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی اشاره کرده است.^۱ همان طور که از فحوای رأی وحدت رویه مستفاد می شود، منظور از رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی، لزوم ارائه دادخواست و هزینه دادرسی وفق مقررات مربوط به قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی است. بنابراین، شرط جبران خسارت در این موارد، لزوم ارائه دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی است. البته، لازم به ذکر است که اطلاق مواد ۱۱ و ۱۵ فوق الذکر ما را به این نتیجه می رساند که ارائه دادخواست از زمان طرح شکایت کیفری امکان پذیر است.

با وجود حمایت های مالی از بزه دیدگان در قوانین جاری ایران، یکی از مشکلات بزه دیدگان در این راستا، به مواد مورد اشاره برمی گردد؛ بدین سان که رویه قضایی، بازگرداندن اموال بزه دیدگان برخی از جرایم را منوط به تقدیم دادخواست و گذراندن تشریفات آیین دادرسی مدنی می کند. بر اساس این رویه، چنانچه در متن قانون مجازات، عبارت بازگرداندن مال به بزه دیده موجود باشد، نیاز به تقدیم دادخواست نیست و در سایر موارد بزه دیده باید با ارائه دادخواست، نسبت به بازگرداندن مال اقدام کند. از این رو، در جرایمی چون سرقت (ماده ۶۶۷ قانون تعزیرات) و کلاهبرداری (ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری)، چون

۱. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، شهر دانش، چاپ بیست و دوم، ص ۲۷۱.

عبارت بازگرداندن اموال در متن مواد فوق آمده است، بزه دیده نیازی به تقدیم دادخواست ندارد. اما در جرایمی چون خیانت در امانت (ماده ۶۷۳ قانون تعزیرات) و تخریب (مواد فصل ۲۵ ام قانون تعزیرات)، به دلیل عدم ذکر عبارت رد مال، بزه دیده باید دادخواست دهد و تشریفات را پشت سر گذارد. تکلیف قانونی دادگاه‌های کیفری نسبت به بازگرداندن اموال بزه‌دیدگان سرقت و کلاهبرداری، در قالب رد مال یا مثل و یا قیمت آن، بدون نیاز به طرح دادخواست از سوی بزه‌دیده، از مهم‌ترین مصادیق توجه قانون‌گذار کیفری به این حق طبیعی بزه‌دیدگان است. البته، رعایت تشریفات مدنی در خصوص مطالبه دیه و ارش و نیز تعیین تکلیف اشیای کشف شده از جرم (بر اساس ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی) نیز الزامی نیست و در این موارد تکلیف قاضی و بازپرس یا دادیار، جبران خسارت بدون ارائه دادخواست می‌باشد.

نتیجه گیری

توجه و تأکید بر مطالعات میان رشته‌ای در کنار طرح پرونده‌های مدنی و کیفری و مزج مفاهیم این دو قلمرو، موجب تمرکز بر آثار متقابل میان مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری می‌شود. لذا برخلاف تصور ابتدایی که در آن مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری به عنوان دو رویکرد معارض درک می‌شوند، به نظر می‌رسد که پیوند میان مصادیق و مناسبات مسئولیت مدنی و کیفری در عالم خارج وجود دارد و این دو مسئولیت دارای آثار متقابل بر یکدیگر می‌باشند.

مسئولیت مدنی و کیفری از حیث عناصر سازنده آنها با یکدیگر دارای شباهت‌هایی هستند. بر اساس آنچه در این پژوهش ثابت شد، برای تحقق مسئولیت مدنی وجود عناصری لازم است که عبارت‌اند از: ایراد ضرر، عمل و فعل زیان‌بار، رابطه سببیت میان فعل و ایراد ضرر و تقصیر در نظریه‌های مبتنی بر تقصیر. به بیان دیگر، برای تحقق مسئولیت مدنی، فرد باید به یکی از اشکال مادی، معنوی یا جسمانی به دیگری ضرر وارد کند، ایراد ضرر همراه با فعل زیان‌بار نامشروع باشد، خسارات نتیجه رفتار ارتكابی توسط فرد باشد و در نظریه‌های مبتنی بر تقصیر، تقصیر مرتکب نیز احراز شود. در این صورت زیان‌زننده باید از عهده خسارات وارده برآید. هم‌زمان عناصر مسئولیت کیفری نیز عبارت‌اند از: وجود گزاره جرم‌انگار، ارتكاب رفتار مجرمانه، احراز رابطه سببیت میان فعل و نتیجه و در نهایت، احراز رکن روانی جرم. به دیگر سخن، فرد برای آنکه مجرم شناخته و مجازات شود، باید رفتاری را که قبلاً توسط مقنن جرم‌انگاری شده است، در قالب رفتار مجرمانه فیزیکی مرتکب شود، نتیجه حاصله از ارتكاب جرم پیامد رفتار فرد باشد و وی برای ارتكاب جرم دارای سوءنیت باشد. در این صورت و با جمع شرایط می‌توان فرد را مسئول دانست. در این بستر، به نظر می‌رسد که عناصر مختلف مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری قابلیت تطبیق بر یکدیگر را دارند؛ بدین معنا که می‌توان ایراد ضرر و وجود گزاره جرم‌انگار، ارتكاب رکن مادی و رفتار مجرمانه و فعل زیان‌بار نامشروع و وجود رکن روانی (سوءنیت) و تقصیر را با یکدیگر مقایسه کرد و آنها را در کنار هم بررسی کرد.

به موازات پیشرفت دانش و توسعه صنعت و بروز پاره‌ای تغییرات در رشته‌های گوناگون علمی، حرفه پزشکی نیز در گذر زمان، دستخوش تغییر و تحولات گسترده‌ای شده است. در

خصوص مبان‌ی و چرایی این تحولات، فقط ذکر این نکته کافیس‌ت که افزایش بیماری‌های گوناگون و ضرورت یافتن راه‌های درمانی متفاوت برای بیماری‌های مذکور، بروز و ظهور شیوه‌های گوناگونی از اقدامات درمانی را اجتناب‌ناپذیر ساخته و بدین ترتیب، گرایش به سمت روش‌های نوین درمانی و همچنین تغییر دیدگاه و نگرش در خصوص برخی آموزه‌های پیشین در حرفه پزشکی و مسئولیت کیفری ناشی از آن را فراهم آورده است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در زمره مهم‌ترین قوانین پس از پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه مسئولیت کیفری پزشک و تحولات در آن خصوص محسوب می‌گردند. در این قانون و در مواد مختلف، به صور گوناگون برای پزشک، فرض مسئولیت کیفری شده است. به عنوان نمونه، مطابق با بند «ب» ماده این قانون، «... قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای شبیه عمد واقع می‌شود و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود، داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد. مانند آنکه کسی را به قصد تأدیب به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد یا طبیعی، مباشرتاً بیماری را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود». در این حالت، برای زیان‌دیده فرض دیده شده است. همچنین، وفق ماده ۲۵ این قانون، «هرگاه طبیعی گرچه حاذق و متخصص باشد، در معالجه‌هایی که شخصاً انجام می‌دهد یا دستور آن را صادر می‌کند، هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد، باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود، ضامن است مگر اینکه قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او براءت حاصل نماید».

در نهایت، طرح دعوی خصوصی ناشی از جرم در محاکم کیفری گونه‌ای دیگر از تعامل میان این دو مفهوم را نشان می‌دهد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۲، ویراست دوم، نشر میزان، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۲.
۲. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری*، جلد ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵.
۳. بجنوردی، محمد حسن، *القواعد الفقهیه*، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۷.
۴. بهرامی احمدی، حمید، *ضمان قهری (مسئولیت مدنی)*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
۵. تدین، عباس، *ترجمه قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه*، تهران: انتشارات خرسند، ۱۳۹۴.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۷.
۷. حسینی مرتعی، میر عبدالفتاح، *العناوین*، ترجمه عباس زراعت، جلد ۲، تهران: جنگل، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۸. خالقی، علی، *آیین دادرسی کیفری*، تهران: شهر دانش، چاپ ۲۲، ۱۳۹۳.
۹. خدابخشی، عبدالله، *بیمه و حقوق مسئولیت مدنی (دعوای بیمه و مسئولیت مدنی)*، جلد ۲، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
۱۰. دهخدا، علی کبر، *لغت نامه دهخدا*، جلد ۱۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
۱۱. ره پیک، حسن، *حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها*، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ سوم.

۱۲. ژوردن، پاتریس، *اصول مسئولیت مدنی*، ترجمه و تحقیق مجید ادیب، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۹۴.
۱۳. صفایی، سید حسین و حبیب الله رحیمی، *مسئولیت مدنی*، تهران: سمت، چاپ دهم، ۱۳۹۶.
۱۴. عمید زنجانی، عباسعلی، *موجبات ضمان: درآمدی بر مسئولیت مدنی و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی*، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۱۵. غمامی، مجید، *قابلیت پیش بینی ضرر در مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، *الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۹.
۱۷. لوراسا، میشل، *مسئولیت مدنی*، ترجمه دکتر محمد اشتری، تهران: نشر حقوق دان، ۱۳۷۵.
۱۸. معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، *القواعد الفقهیه*، جلد ۱، قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب، ۱۳۷۰.
۲۰. میرمحمد صادقی، حسین، *جرایم علیه اشخاص*، نشر میزان، چاپ سی و پنجم، ۱۳۹۲.
- مقاله
۲۱. حسینی، سید حسین، *مسئولیت کیفری متصدیان پزشکی*، مجله حقوق پزشکی، پاییز ۱۳۸۷.
۲۲. شرافت پیمان، محمدرضا، محمدرضا عیسایی تفریشی و محمود صادقی، *تأثیر همراه قوه قاهره بر مسئولیت*، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره یازدهم، ۱۳۸۶.
۲۳. هرمزی، خیراله، *توسعه صلاحیت یا صلاحیت تبعی*، فصلنامه حقوق خصوصی، ۱۳۹۳، شماره ۶.

پایان نامه و رساله

۲۴. فقیه نخجیری، حسن، «دعوای خصوصی در دادگاه جزا»، رساله دکترای رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.

ب) منابع انگلیسی

25. Stefani, Gaston' Georges, *Levasseur; Boulec, Bernard, Procédure pénale*, 18i édition, Dalloz, 2001.